

سنجش حسابداری سلامت و رابطه آن با ارزش شرکت با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی

دکتر مهدی مران‌جوری^۱، دکتر رضیه علی‌خانی^۲ و مهشاد جهاندار لاشکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ تاریخ اصلاح نهایی: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

چکیده

مقدمه: مدیران نه تنها باید درباره مسائل مالی و اقتصادی شرکت‌های تحت نظارت خود پاسخ‌گو باشند بلکه باید به جنبه‌های بهداشتی، ایمنی و سلامت کارکنان و افشای این‌گونه اطلاعات نیز توجه داشته باشند. از این رو، هدف این پژوهش سنجش حسابداری سلامت و بررسی رابطه آن با ارزش شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۵ است. در این پژوهش برای سنجش حسابداری سلامت از فن تحلیل محتوا و واحد اندازه‌گیری جمله استفاده شده است.

یافته‌ها: سنجش حسابداری سلامت نشان داد که از نظر موضوع، شرکت‌ها در بخش آموزش بیشترین و در بخش پیشگیری، کم‌ترین مقدار افشا را داشته‌اند. از نظر نحوه افشای حسابداری سلامت، بیشتر افشاها به صورت کیفی بوده و افشای پولی کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است. افشای حسابداری سلامت با ارزش شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و حاکمیت شرکتی موجب شدت رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: شرکت‌هایی که التزام بیشتری به اجرای قوانین و ضوابط حاکمیت شرکتی دارند تمایل بیشتری به اجرای دستورعمل‌ها و موازین بهداشتی، ایمنی و سلامت کارکنان دارند. چرا که به منافع گروه‌های مختلف ذی‌نفع، از جمله کارکنان، توجه می‌کنند. هم‌چنین، در زمینه حسابداری سلامت موارد مناسبی را افشا می‌کنند که از طریق افزایش اعتبار و مشروعیت و جبهه شرکت موجب افزایش ارزش شرکت نیز می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارزش شرکت، حاکمیت شرکتی، حسابداری سلامت.

۱. استادیار، گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (رایانامه: mehdi_maranjory@iauc.ac.ir)

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول، رایانامه: razieh_alikhani@iauc.ac.ir)

۳. کارشناس ارشد حسابداری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (رایانامه: mahshad.jahandarlashaki69@iauc.ac.ir)

مقدمه

زیست محیطی را هم مدنظر داشته باشند. چرا که، بهبود در عملکرد کلی شرکت بدون پرداختن به این موارد امکان پذیر نیست. پیشگیری از بروز صدمات و حوادث بهداشتی، ایمنی و محیط زیست در راستای افزایش بهره‌وری با در نظر گرفتن سلامت و ایمنی کارکنان، مشتریان، پیمانکاران و دیگر افراد مستلزم وجود ساختار مناسب نظام مدیریت است (۴). نظام مدیریتی سلامت، ایمنی و محیط زیست با پیشگیری از بروز صدمات و وقایع بهداشتی، ایمنی و محیط زیستی و با در نظر گرفتن سلامت و ایمنی کارکنان و دیگر افراد متأثر از فعالیت‌های جاری شرکت، در جهت توسعه پایدار، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری گام برمی‌دارد.

شرکت‌های بزرگ در خارج از مرزهای ایران گزارش‌های اجتماعی را تهیه می‌کنند که نه تنها شامل اطلاعات حسابداری است بلکه اطلاعات وسیعی درباره حفظ و افزایش سلامت، بهداشت و ایمنی کارکنان در آن ارائه شده است. تعدادی از همین شرکت‌ها اقدام به افشای فعالیت‌های خود در زمینه حسابداری سلامت در کنار صورت‌های مالی سالانه می‌کنند (۵). با این وجود، به این موضوع در ایران با توجه به صنایع پرخطر برای سلامت کارکنان، توجه کافی و لازم نمی‌شود. در گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی شرکت‌های ایرانی اطلاعاتی در زمینه منابع انسانی ارائه می‌شود که بخشی از آن مربوط به حسابداری سلامت است اما در صنایع پرخطر برای سلامت کارکنان (پتروشیمی، پالایشگاهی، سیمان، فلزات، استخراج کانی‌ها و غیره) گزارش‌های تفصیلی

حرکت در مسیر مسئولیت‌های اجتماعی عاملی ضروری و حیاتی است که موجب تداوم فعالیت شرکت در درازمدت می‌شود (۱). اطلاعات در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به‌طور قابل توجهی به‌وسیله ذی‌نفعان شرکت درخواست می‌شود. این اطلاعات نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های آنان دارد (۲) و به همین دلیل از اهمیت زیادی برخوردار است. ذی‌نفعان مختلف تمایل به افشای داوطلبانه اطلاعات در مورد راهبردها، عملکرد و فعالیت‌های شرکت در درازمدت دارند. یکی از این موارد، افشای اطلاعات مرتبط با سلامت و ایمنی کارکنان در راستای پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان است (۳). اهمیت موضوع سلامت نیروی کار با آغاز انقلاب صنعتی و انتقال تولید از کارگاه‌های کوچک به صنایع بزرگ، از حالت فردی خارج شده و حالت عمومی‌تری به خود گرفت. پس از پیدایش مکتب روابط انسانی در مدیریت، توجه به ایمنی و بهداشت منابع انسانی اهمیت بیشتری یافت. شرکت‌ها هر ساله با میلیاردها دلار خسارت‌های انسانی، تجهیزاتی و حیثیتی به علت حوادث و بیماری‌های ناشی از کار و رفع آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های خود مواجه هستند. این خسارت‌ها از موانع مهم توسعه محسوب می‌شود. در نتیجه، منطقی است مدیران شرکت‌ها به موازات توجه به سایر جنبه‌های مدیریتی از قبیل کیفیت، اقتصاد و مالی، فن‌آوری، تولید و غیره، مدیریت بر جنبه‌های بهداشت حرفه‌ای، ایمنی و

دادن تعهد بیشتر به حسابداری سلامت از طریق افشای بیشتر آن، می‌تواند مشروعیت مدیران را افزایش دهد (حق مدیریت بر منابع شرکت). این موضوع مهم می‌تواند با ارتقای جریان اطلاعاتی بین مدیران اجرایی شرکت و ذی‌نفعان و در نتیجه کاهش تعارضات نمایندگی موجب ارتقای ارزش شرکت شود (۹) و (۱۰). ارزش، یک مفهومی فکری است که می‌تواند به گونه‌های مختلف تفسیر شود. ارزش شرکت زمانی ایجاد می‌شود که آن شرکت برای ذی‌نفعان اصلی خود منافع ایجاد کند. دوم این که، مشارکت در روش‌های حسابداری سلامت می‌تواند به ایجاد هماهنگی بین هدف‌های شرکت و هنجارهای جامعه منجر شده و مشروعیت عملیات شرکت و افزایش اعتبار و وجهه شرکت را به دنبال داشته باشد (۱۱) و (۱۲). سوم این که، تعهد به افشای بیشتر حسابداری سلامت شرکت می‌تواند روشی سودمند در دستیابی به حمایت ذی‌نفعان اثرگذار شرکت‌ها، مثل اتحادیه‌های کارگری، سهامداران و دولت باشد (۱۳ و ۱۴) که موجب افزایش توانایی شرکت در ایجاد ارزش و سودآوری می‌شود (۱۵). چهارم این که، تعهد بیشتر به حسابداری سلامت از طریق افشای بیشتر آن می‌تواند دسترسی به افشاهای ضروری، مانند قراردادهای سرمایه‌ای و تجاری را با کاهش هزینه‌های سیاسی، امنیتی و سلامت، از طریق افزایش ارزش شرکت تسهیل کند (۱۶).

از جمله مواردی دیگری که موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود، حاکمیت شرکتی است. زیرا سازوکارهای حاکمیت شرکتی موجب کاهش

و جداگانه‌ای تهیه نمی‌شود، در حالی که در سایر کشورها گزارش جداگانه‌ای در زمینه ایمنی و سلامت کارکنان تهیه می‌شود. حتی در برخی شرکت‌ها کمیته‌ای تحت عنوان کمیته سلامت تشکیل می‌شود. بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل کمبود امکانات، در معرض افزایش هزینه‌های ناشی از بیماری‌ها و حوادث ناشی از کار هستند. از این رو، حفاظت از تندرستی نیروی کار و بهسازی محیط کار، اهمیتی شایان توجه دارد. بی‌گمان داشتن اقتصادی شکوفا و صنعتی خودکفا، بدون در اختیار داشتن نیروی کار سالم و تندرست امکان‌پذیر نخواهد بود (۵).

حسابداری سلامت، مفهومی با رویکرد اجتماعی است که از طریق افشای اطلاعات کمی و کیفی در زمینه سلامت کارکنان، به تعامل شرکت با کارکنان خود برای ایفای مسئولیت اجتماعی توجه می‌کند (۱). در این ارتباط، نظریه مشروعیت، شرکت‌ها را به پاسخ به تقاضای گروه‌های مختلف ذی‌نفع، از طریق مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های خود وادار می‌کند (۶). از نظر ساچمن مشروعیت مانند یک منجی است که تمام شرکت‌ها برای بقای خود به آن متکی هستند (۷). در این مورد آشفروث و گیپس در پژوهشی اذعان داشته‌اند که شرکت‌ها برای توسعه و دفاع از هدف‌های خود، راهبردهای مدیریتی نمادین اتخاذ می‌کنند (۸). بنابراین، می‌توان چنین بیان کرد که نظریه مشروعیت نشان می‌دهد که چرا مدیران شرکت‌ها به طور داوطلبانه فعالیت‌های خود در زمینه حسابداری سلامت را افشا می‌کنند. اول این که، نشان

مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها می‌شود. حاکمیت شرکتی که مجموعه سازوکارهای هدایت و کنترل سازمان است تعادل مناسبی میان حقوق ذی‌نفعان و اختیارات هیأت مدیره برقرار می‌کند. اگر چه کیفیت این سازوکارها در شرکت‌ها متفاوت است اما در کلیه مراحل ارزش‌آفرینی شرکت وجود دارد و می‌تواند منجر به تقویت رابطه افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت شود. همان‌طور که در بالا نیز تشریح شد حسابداری سلامت از اهمیت بالایی برخوردار بوده و لازم است مورد توجه ویژه قرار گیرد. لذا، به‌عنوان پدیده‌ای جدید ضروری است پژوهش‌های کافی در این زمینه انجام شود. برای این منظور در پژوهش حاضر به عنوان نخستین مطالعه در ایران، به سنجش افشای حسابداری سلامت با استفاده از فن تحلیل محتوا از بُعد روند افشا، صنعت، موضوع و نحوه افشای اطلاعات پرداخته شده و سپس، رابطه افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت بررسی شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ان تیم در پژوهشی به بررسی افشای حسابداری سلامت و رابطه آن با حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که شرکت‌ها برای فعالیت‌های مختلف حسابداری سلامت اهمیتی متفاوت قائل می‌شوند. شرکت‌های با درصد بیشتر سهامداران نهادی، شیوه‌های حسابداری سلامت خود را کم‌تر افشا می‌کنند اما شرکت‌های با

درصد بیشتر سهامداران دولتی و هم‌چنین، بیشتر بودن نسبت حضور تعداد زنان در هیأت مدیره و سرانجام وجود تعداد مدیران غیرموظف بیشتر، شیوه‌های حسابداری سلامت خود را بیشتر افشا می‌کنند (۱۷). ان تیم و سوو باروین در پژوهش دیگری به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بین افشای داوطلبانه و حاکمیت شرکتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که شرکت‌های با حاکمیت شرکتی مناسب‌تر تمایل بیشتری به افشای داوطلبانه فعالیت‌های خود دارند تا از این طریق احتمال فشارهای وارده از سوی ذی‌نفعان را بر خود محدود کرده و به حداقل برسانند (۱۸). حسینی و آتشک در پژوهشی با عنوان احصا و رتبه‌بندی هدف‌های آموزش ایمنی و بهداشت کار در صنایع به این نتیجه رسیدند که هدف‌هایی چون رعایت بهداشت محیط کار و جلوگیری از وقوع حوادث ناشی از کار در ایجاد محیطی سالم برای ارتقای سطح سلامت کارکنان، آشنایی با وسایل حفاظت فردی و اهمیت کاربرد آن در صنعت اولویت بیشتری دارد. هم‌چنین، شرکت‌ها به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های پاسخ‌گویی خود، مواردی در مورد مسئولیت‌های اجتماعی را افشا می‌کنند. از دیدگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، این افشاها در گزارشگری اجتماعی باید شامل موضوع بهداشت و ایمنی هم باشد (۱۹).

با توجه به نتایج پژوهش‌های بیان شده در بالا، زمانی که تأثیر افشای سلامت کارکنان شرکت بر ارزش شرکت بررسی می‌شود دو دیدگاه مخالف

دست‌یابی به دارایی‌های حیاتی را برای شرکت فراهم می‌کند (۱۸). به اعتقاد دیگر پژوهشگران، رفع نیازهای ذی‌نفعان اثرگذار (به عنوان نمونه، اتحادیه‌های کارگری، مشتریان، سیاست‌مداران و جوامع علمی) برای تعهد بیشتر به فعالیت‌های سلامت کارکنان و افشا، ممکن است مشروعیت و ارزش شرکت را با کاهش هزینه‌های احتمالی مرتبط با سیاست‌ها (مانند تهدیدات ملی، قانون‌گذاری، اعتصابات اتحادیه‌های کارگری و خیزش جوامع علمی) (۲۰)، بیشتر کند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین شد: فرضیه اول: بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هیأت مدیره و مدیران ارشد اجرایی شرکت‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی تصمیم می‌گیرند (۲۳-۲۱). حاکمیت شرکتی موجب شفافیت و ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی می‌شود که می‌تواند سطح افشا را در شرکت‌ها افزایش دهد. این موضوع باعث می‌شود که حاکمیت شرکتی مناسب به نیازهای ذی‌نفعان پاسخ دهد و همین پاسخ‌گویی می‌تواند موجب افزایش ارزش شرکت شود (۳). پذیرش ضوابط و قوانین حاکمیت شرکتی، اجرای دستورعمل‌های سلامت، بهداشت و ایمنی کارکنان، همچنین تعهد به افشای بیشتر اطلاعات در زمینه سلامت کارکنان، می‌تواند به بهبود مشروعیت عملیات شرکت به وسیله ارتقای وجهه آن کمک کند (مشروعیت سلسله‌مراتبی، اخلاقی و جامع) (۱۲) و از طریق حمایت از ذی‌نفعان اثرگذار، مانند مشتریان و

وجود دارد. طبق دیدگاه اول، شرکت‌هایی که به فعالیت‌های سلامت کارکنان تعهد بیشتری دارند، هزینه‌های مازادی را متحمل می‌شوند که موجب کاهش سودآوری آن‌ها می‌شود (۱۴). بنابراین، انتظار می‌رود که بین افشای سلامت کارکنان شرکت و ارزش شرکت رابطه‌ای معکوس وجود داشته باشد. هزینه‌هایی از این دست می‌تواند شامل هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری مالی مستقیم در فعالیت‌های سلامت کارکنان، هزینه‌های نمایندگی ناشی از اختیار بیش از حد مدیران و هزینه‌های مزیت راهبردی/رقابتی ناشی از تصمیم‌های اخلاقی در مورد اجتناب از سرمایه‌گذاری‌های رقابتی در مکان‌های خاص جغرافیایی مربوط به کالا و خدمات باشد. طبق دیدگاه دوم، شرکت‌هایی که به فعالیت‌های سلامت کارکنان تعهد بیشتری دارند می‌توانند ارزش بیشتری در بازار به دست آورند. بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که مشارکت در فعالیت‌های سلامت کارکنان می‌تواند با کاهش فرصت‌طلبی مدیر، ارزش شرکت را بهبود بخشد و این موضوع از طریق ارتقای جریان اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران ممکن می‌شود (۱۷). برخی از پژوهشگران اذعان می‌دارند که مشارکت در افشای بیشتر سلامت کارکنان (چه به صورت ارزشی و چه به صورت نمادی)، با مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌ها و عملیات شرکت، شاید به ارتقای ارزش شرکت کمک نکند اما به طرق دیگر مانند معافیت مالیاتی، سرمایه‌ارزان، کار باکیفیت (به عبارت دیگر، مشروعیت عمل‌گرا)، بهبود و ارتقای وجهه شرکت، حسن نیت و اعتبار، فرصت

(چک لیست) رمزگذاری تهیه شد که شامل ارقام مربوط به اطلاعات حسابداری سلامت است که در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها افشا می‌شود.

۲. تعیین قوانین تصمیم و استخراج داده

با مطالعه و مرور گزارش‌های شرکت‌ها، قوانین تصمیم به تدریج تدوین می‌شود. وجود قوانین تصمیم به رمزگذارها کمک می‌کند تا در رمزگذاری اطلاعات افشاشده در زمینه حسابداری سلامت از قوانین مشابهی پیروی کنند. این کار موجب ارتقای کیفیت شاخص محاسبه شده می‌شود. مطابق با پژوهش‌های ماهادئو و همکاران (۳۰) و گائو و همکاران (۳۱)، در این پژوهش نیز از این روش استفاده می‌شود. در واقع، قوانین تصمیم منجر به کاهش اختلاف بین رمزگذارها در تصمیم‌گیری می‌شود. در این مرحله هرگونه اطلاعات در زمینه حسابداری سلامت به‌طور واضح و عملیاتی تعریف می‌شود. یعنی، بر پایه قوانین و روش‌های تنظیم شده، به‌طور دقیق مشخص می‌شود که هر جمله را باید در کدام یک از موضوع‌ها و ارقام طبقه‌بندی کرد. موضوع‌ها و ارقام باید با فرضیه بررسی شده ارتباط داشته باشد؛ صریح باشد، به‌طوری که در یک طبقه‌بندی مجدد، پژوهشگر هر قلم را دوباره متعلق به همان موضوعی تشخیص دهد که در طبقه‌بندی اولیه مشخص کرده است (به این منظور بهتر است برای هر یک از موضوع‌ها و ارقام مرتبط با آن یک یا چند مثال ارائه شود)؛ هر طبقه (در این مقاله طبقه‌بندی از نظر موضوع است) فقط یک بُعد معنی را در نظر

دولت و تأثیر بر منابع حیاتی (۱۴) به‌طور مثبت بر ارزش شرکت اثر بگذارد. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود رابطه بین روش‌های حسابداری سلامت و ارزش شرکت تحت تأثیر کیفیت تمهیدات داخلی حاکمیت شرکتی قرار گیرد (۲۴). بنابراین، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین شد:

فرضیه دوم: حاکمیت شرکتی بر رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت تأثیر مثبت می‌گذارد.

روش پژوهش

پژوهشگران حوزه حسابداری زیست‌محیطی و اجتماعی از تحلیل محتوا به‌عنوان روش پژوهش برتر برای جمع‌آوری شواهد تجربی در این زمینه استفاده می‌کنند (۲۷-۲۵). تحلیل محتوا، روشی برای جمع‌آوری داده‌ها است که شامل رمزگذاری اطلاعات کمی و کیفی افشاشده در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها به گروه‌های از پیش تعریف شده در قالب بازبینه (چک لیست) است (۲۸). تعداد جمله در بیشتر پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل محتوا به‌عنوان واحد سنجش مناسب در تصمیم‌های رمزگذاری به کار گرفته شده است (۱ و ۲۹). بر این اساس، در این پژوهش از تعداد جمله به‌عنوان واحد اندازه‌گیری استفاده شد. گام‌های پژوهش در ادامه تشریح می‌شود.

۱. تهیه ابزار رمزگذاری

در گام اول مطابق با پژوهش ان تیم (۱۷) بازبینه

مفاهیم مشکل‌تر است و هم نحوه به‌کارگیری مفاهیم ممکن است باعث بروز مشکلاتی شود (۱).

۴. قابلیت اتکای ابزار رمزگذاری

قابلیت اتکای ابزار رمزگذاری به این معنا است که تحلیل‌گر یا رمزگذاران برداشت‌های متفاوتی از موضوع‌ها و اقلام و هم‌چنین، طبقه‌بندی جداگانه‌ای از آن‌ها نداشته باشند. در این مورد، از نظر کاملاً مشکلات ناشی از طبقه‌بندی موجب اختلاف‌نظر میان رمزگذاران می‌شود که ممکن است به دلیل طبقه‌بندی مبهم، تداخل میان طبقه‌ها، تفسیرهای متعدد از مفاهیم عملیاتی‌شده یا مشکلات ساختاری طبقه‌بندی باشد. هم‌چنین، می‌تواند حاصل مشکلات رمزگذاران به علت توجیه نشدن یا کارایی نداشتن برخی از آنان باشد (۲۸).

با توجه به آن چه در بالا بیان شد می‌توان چنین عنوان کرد: به این دلیل که تحلیل‌گران زمینه‌های فکری متفاوتی دارند برای اطمینان از قابل‌اتکابودن تعریف بخش‌های مختلف تحلیل محتوا، قبل از استخراج داده و رمزگذاری، لازم است بازبینی رمزگذاری برای تخمین عملی بودن تعاریف موضوع‌ها و اقلام آزمون شود. به این صورت که رمزگذار طی آزمونی آزمایشی، داده‌های لازم برای پژوهش را مطابق با پژوهش‌های گذشته، به عنوان نمونه، پژوهش‌های ویلیامز (۳۲) و مران‌جوری و علی‌خانی (۱)، از پانزده گزارش سالانه استخراج و رمزگذاری کرده است. نتایج بررسی و سعی شد ابهامات برطرف و اطمینان حاصل شود که قوانین

بگیرد؛ از یکدیگر کاملاً متمایز باشد، یعنی، هر واحد سنجش باید به طور مشخص فقط در یک طبقه جای گیرد و هنگام طبقه‌بندی، نباید رمزگذار دچار این تردید شود که فلان محتوا و واحد سنجش باید در کدام طبقه جای گیرد و هم‌چنین، کامل باشد، یعنی هر محتوا یا واحد سنجش باید بالاخره در یکی از طبقه‌ها جای گیرد و در پایان هیچ واحد سنجشی باقی نماند که نتوان آن‌ها را در هیچ طبقه‌ای جای داد (۲۹). پس از تهیه طبقه‌ها، پژوهشگر یا رمزگذار (شخصی که ارزیابی و طبقه‌بندی محتواها را به عهده دارد) محتواها را مطالعه کرده و جمله‌ها یا واحدهای دیگر سنجش نظیر کلمه و صفحه را بر اساس فضای مفهوم و معنی آن‌ها طبقه‌بندی می‌کند (۲۸).

۳. آموزش رمزگذار

برای شروع فرایند تحلیل، افزون بر پژوهشگر، دو رمزگذار دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته حسابداری برای فهم بهتر از روش پژوهش آموزش داده شد. هر چقدر عملیات مفهوم‌سازی، دستورعمل رمزگذاری، رمزنامه‌ها و فرم‌های ثبت، صریح و شفاف باشد، باز هم نیاز به آموزش رمزگذاران وجود دارد. تعداد رمزگذاران در کیفیت رمزگذاری تأثیرگذار است و نسبت تعداد رمزگذاران به حجم نمونه باید نسبت بهینه‌ای باشد. در صورتی که تعداد رمزگذاران کم‌تر از این حد باشد، دقت رمزگذاری کاهش یافته و این موضوع ممکن است قابلیت‌های پژوهش را از بین ببرد. هم‌چنین، عیب تعداد زیاد رمزگذاران این است که هم به توافق رسیدن در مورد

درگیر می‌شود. اختلاف رمزگذاری بین رمزگذارها دوباره تحلیل و بحث شده و سرانجام درباره آن تصمیم‌گیری شده است. در این پژوهش به منظور افزایش قابلیت اتکا رمزگذاری، اختلاف‌های رمزگذاری تحلیل شد و به طور دقیق مشخص شد که نکات اختلاف بین رمزگذارها در کدام‌یک از موضوع‌ها، اقلام و نحوه افشا دسته‌بندی شود.

۶. شناسایی و کمی‌کردن افشا

در این پژوهش شاخص افشای حسابداری سلامت با مطالعه دقیق گزارش‌های سالانه شرکت‌های نمونه و مشخص کردن هر گونه اطلاعات مرتبط با حسابداری سلامت و طبقه‌بندی آن‌ها در ۶ موضوع و اقلام مرتبط به هر موضوع محاسبه شد. به این صورت که وزن جملات یکسان در نظر گرفته و به هر جمله یک امتیاز داده شد. همچنین، شاخص افشای اطلاعات حسابداری سلامت هر شرکت از طریق محاسبه مجموع امتیازات حاصل از تحلیل محتوا اندازه‌گیری شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. از جامعه آماری یادشده شرکت‌هایی انتخاب شدند که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند باشد، قبل از سال ۱۳۸۹ برای اولین بار سهام آن‌ها در بورس عرضه شده باشد، طی دوره پژوهش تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت نداده باشند، جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسه‌های مالی نباشند و اطلاعاتی در زمینه مسائل بهداشتی، ایمنی و سلامت کارکنان

رمزگذاری مشابهی به کار گرفته شده است. در این مرحله ساختار رمزگذاری اصلاح شده و قوانین تصمیم دوباره تعریف شد.

در این پژوهش پس از مطالعه دقیق محتوای پانزده گزارش سالانه، قوانینی که منجر به طبقه‌بندی هر گونه افشا در زمینه حسابداری سلامت از نظر موضوع و نحوه افشا می‌شود، استخراج شد. این قوانین مشخص کرد که هر گونه افشا در کدام‌یک از موضوع‌ها و اقلام افشا، همچنین نحوه افشا دسته‌بندی شود. به عنوان نمونه، در گزارش هیأت مدیره به مجمع شرکت معادن منگنز در سال ۱۳۹۲ جمله «جمع‌آوری زباله و دفع بهداشتی دو بار در هفته انجام می‌شود» از نظر موضوع در طبقه بهداشت، از نظر اقلام در طبقه بهداشت محیط و از نظر نحوه افشا در طبقه مقداری قرار گرفت. این فرایند با ده گزارش سالانه دیگر تکرار شد تا اطمینان کامل به دست آید.

۵. قابلیت اتکای رمزگذاری

قابلیت اتکای رمزگذاری به این معنی است که داده‌های رمزگذاری شده به وسیله تحلیل محتوا، قابل اتکا است. به بیان دیگر، پژوهشگران مختلف به متن، به روش مشابه رمز می‌دهند. برای اطمینان از قابلیت اتکای رمزگذاری، همه گزارش‌ها به وسیله دو رمزگذار آموزش‌دیده، رمزگذاری شد. هر چه اختلاف دو رمزگذار از این نظر که هر جمله در کدام‌یک از موضوع‌ها و اقلام افشای حسابداری سلامت طبقه‌بندی شود کم‌تر باشد، بیانگر قابلیت اتکای بیشتر رمزگذاری است. در مرحله نهایی تنها پژوهشگر در فرایند قضاوت

افشا کرده باشند. سرانجام، با اعمال محدودیت‌های بالا تعداد ۹۱ شرکت به‌عنوان نمونه آماری در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۵ انتخاب شد.

نوع مطالعه در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. داده‌ها از صورت‌های مالی و گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی شرکت‌ها و از منابع مختلفی هم‌چون بانک‌های اطلاعاتی تدبیرپرداز و سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۱۶ محاسبه و با نرم‌افزارهای EViews نسخه ۹ و SPSS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل شد.

تعریف و سنجش متغیرهای پژوهش

برای سنجش بُعد موضوعی حسابداری سلامت از بازبینه‌ای به شرح جدول شماره ۱ استفاده شد. ایده اولیه ارقام این بازبینه برگرفته از پژوهش ان‌تیم (۱۷) است. هم‌چنین، از پژوهش‌های ماهادئو و همکاران (۳۰)، گائو و همکاران (۳۱) و ویلیامز (۳۲) بهره گرفته شده است. سرانجام، ارقام افشا با مرور پیشینه و با استفاده از تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه شرکت‌های نمونه، استخراج شده است. سپس، در قالب ۶ موضوع و ۲۵ قلم دسته‌بندی شد. هم‌چنین، برای سنجش حسابداری سلامت از بُعد نحوه افشاء از جدول شماره ۲ استفاده شد.

جدول ۱: شاخص افشای حسابداری سلامت

موضوع افشا	ارقام افشا
۱. حمایت کارکنان	پوشش بیمه‌ای، خدمات درمانی و سایر افشاها در زمینه حمایت کارکنان.
۲. پیشگیری	علائم هشداردهنده، اقدامات پیشگیرانه و سایر افشاها در زمینه پیشگیری.
۳. سلامت کارکنان	معاینات، سلامت عمومی، آزمایش‌ها، امکانات و سایر افشاها در زمینه سلامت کارکنان.
۴. بهداشت	بهداشت محیط، بهداشت آب شرب، بهداشت مواد غذایی، برنامه تغذیه کارکنان و سایر افشاها در زمینه بهداشت.
۵. ایمنی و حفاظت	تجهیزات ایمنی، ایمنی فردی، ایمنی محیط کار، نظارت و بازرسی و سایر افشاها در زمینه ایمنی و حفاظت.
۶. آموزش	برگزاری دوره‌های آموزشی، رزمایش‌ها، کمیته‌ها و سایر افشاها در زمینه آموزش.

جدول ۲: نحوه افشای حسابداری سلامت

۱. کیفی: تعداد جملات افشاشده درباره حسابداری سلامت بدون هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد مقدار و مبلغ آن.
۲. مقداری: تعداد جملات افشاشده درباره حسابداری سلامت شامل اطلاعات مالی یا مقادیر واقعی اطلاعات بدون توضیح‌های بیشتر.
۳. پولی: تعداد جملات افشاشده درباره حسابداری سلامت شامل ارزش پولی اطلاعات بدون توضیح‌های بیشتر یا مقدار آن.
۴. ترکیبی: تعداد جملات افشاشده درباره حسابداری سلامت شامل ترکیبی از نحوه افشای اطلاعات (کیفی-مقداری، کیفی-پولی، مقداری-پولی و کیفی-مقداری-پولی).

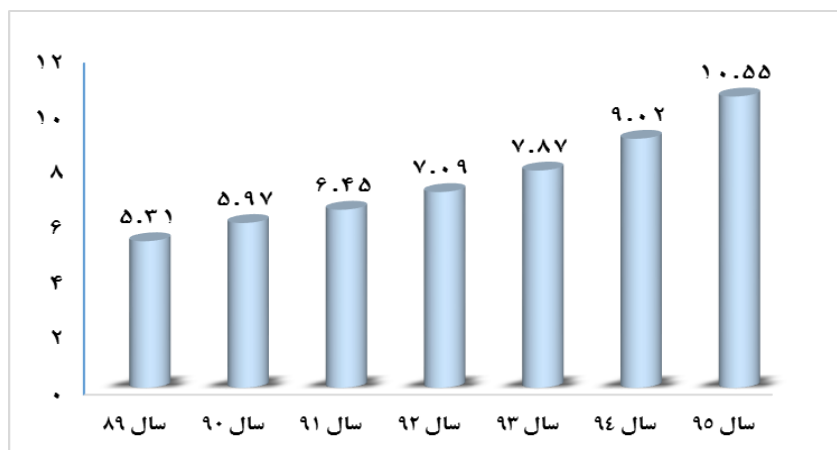
سنجش حسابداری سلامت

به منظور سنجش حسابداری سلامت از آمار توصیفی استفاده شده است. نمودارهای مربوط به افشای حسابداری سلامت از بُعد روند، صنعت، موضوع و نحوه افشا در ادامه آمده است. با توجه به نمودار شماره ۱ بیشترین افشای اطلاعات حسابداری سلامت طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ مربوط به سال ۱۳۹۵ با میانگین ۱۰/۵۵ و کم‌ترین افشا در سال ۱۳۸۹ با میانگین ۵/۳۱ بوده است. روند افزایشی افشای حسابداری سلامت طی دوره زمانی پژوهش نشان‌دهنده اقبال و توجه بالای مدیران شرکت‌ها به سلامت کارکنان و افشای بیشتر در این زمینه است.

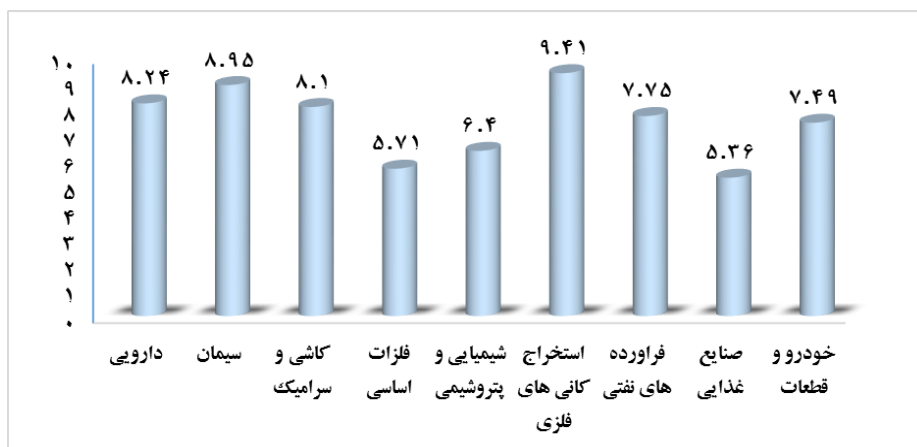
با توجه نمودار شماره ۲ بیشترین افشای اطلاعات حسابداری سلامت در بین نه صنعت از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ مربوط به صنعت استخراج کانی‌های فلزی با میانگین ۹/۴۱ و کم‌ترین افشای اطلاعات را صنایع غذایی با میانگین ۵/۳۶ به خود اختصاص داده است. وسعت افشای شرکت‌ها تحت تأثیر ویژگی‌های

شرکت، مانند صنعت، قرار می‌گیرد. صنایعی که در آن کارکنان با خطرهای سلامت و ایمنی بیشتری مواجه هستند در پاسخ به فشار جامعه و کسب مشروعیت، اطلاعات بیشتری در زمینه حسابداری سلامت افشا می‌کنند. از آن جا که در صنعت استخراج کانی‌های فلزی بیشتر کارگران در معادن فعالیت می‌کنند و در معرض استنشاق گازهای سمی و خطرهای و حوادث ناشی از کار هستند، بیشترین شاخص افشا در زمینه حسابداری سلامت را در بین صنایع مختلف دارند.

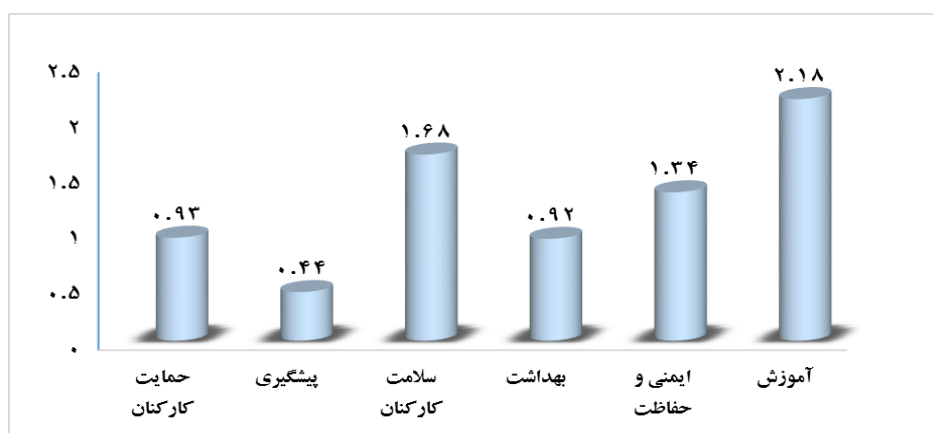
با توجه به نمودار شماره ۳ بیشترین افشای اطلاعات حسابداری سلامت را بخش آموزش با میانگین ۲/۱۸ و کم‌ترین افشا را بخش پیشگیری با میانگین ۰/۴۴ دارد. متأسفانه، نتایج حاکی از آن است که با وجود صرف هزینه‌های زیاد برای آموزش، به مقوله پیشگیری توجه چندانی نمی‌شود. در حالی که، اگر شرکت‌ها زمان و هزینه بیشتری صرف پیشگیری کنند، می‌توانند زیان‌ها، خسارات و حوادث ناشی از کار را به مقدار زیادی کاهش دهند.



نمودار ۱: میانگین شاخص افشای حسابداری سلامت شرکت‌ها از بُعد روند



نمودار ۲: میانگین شاخص افشای حسابداری سلامت شرکت‌ها از بُعد صنعت



نمودار ۳: میانگین شاخص افشای حسابداری سلامت شرکت‌ها از بُعد موضوع

و برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از رابطه شماره ۲ به شرح زیر استفاده شده است:

رابطه ۱

$$FV_{it} = \beta_0 + \beta_1 CHA_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 Size_{it} + \delta_{it}$$

رابطه ۲

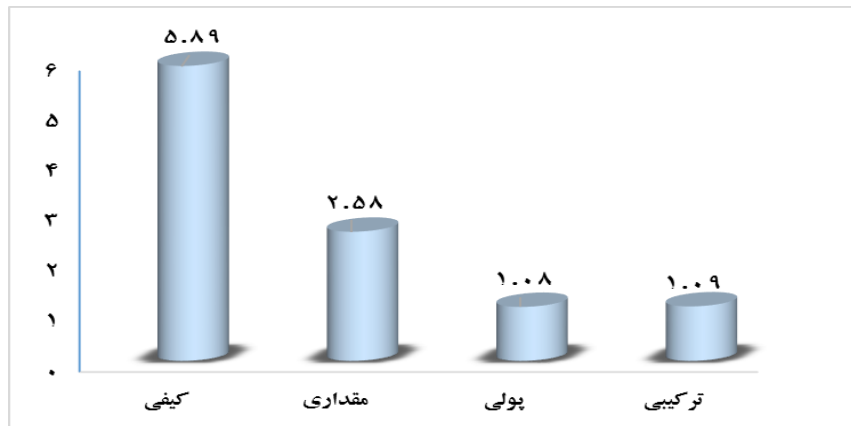
$$FV_{it} = \beta_0 + \beta_1 CHA_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (CHA * CG)_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Size_{it} + \delta_{it}$$

که در آن FV ارزش شرکت؛ β_0 مقدار ثابت؛ CHA افشای حسابداری سلامت؛ Lev اهرم مالی؛ $Size$ اندازه شرکت و CG حاکمیت شرکتی است.

با توجه به نمودار شماره ۴ بیشترین افشای اطلاعات حسابداری سلامت از نظر نحوه افشا را افشای کیفی با میانگین ۵/۸۹ و کم‌ترین را افشای پولی با میانگین ۱/۰۸ به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد بیشتر اطلاعات به صورت جملات خبری بوده و تعداد کمی از اطلاعات حسابداری سلامت به صورت پولی افشا شده است.

الگوی پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از رابطه شماره ۱



نمودار ۴: میانگین شاخص افشای حسابداری سلامت شرکت‌ها از بُعد نحوه افشای اطلاعات

متغیرهای پژوهش

ارزش شرکت متغیر وابسته است و با شاخص کیو توپین سنجیده شد. افشای حسابداری سلامت متغیر مستقل است که از طریق بازبینه اندازه‌گیری شد که شامل ۶ موضوع و ۲۵ قلم است. در این بازبینه به هر جمله صرف نظر از نحوه افشا یک امتیاز داده شد. جمع امتیازهای حاصل بیانگر امتیاز افشای حسابداری سلامت سال- شرکت مدنظر است. اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های پایان سال مالی اندازه‌گیری شد (متغیر کنترلی). اهرم مالی از تقسیم جمع بدهی‌های پایان دوره بر جمع دارایی‌های پایان دوره محاسبه شد (متغیر کنترلی). حاکمیت شرکتی متغیر تعدیل‌گر است که از طریق بازبینه مورد استفاده در پژوهش نمازی و دریائی (۲۳) اندازه‌گیری شد که شامل ۷ مؤلفه و ۲۱ سؤال است. در این بازبینه چنانچه پاسخ سؤال بله باشد امتیاز یک و در صورتی که خیر باشد به آن صفر تعلق می‌گیرد. پس از محاسبه جمع امتیاز هر شرکت در هر سال، این امتیاز بر کل امتیاز ممکن (یعنی، ۲۱) تقسیم شد. عدد حاصل امتیاز

حاکمیت شرکتی سال- شرکت مدنظر است. در ادامه، باید متغیر حاکمیت شرکتی (متغیر تعدیل‌گر) به یک متغیر مجازی (دو ارزشی) تبدیل و به الگو اضافه شود. لذا، ابتدا میانه داده‌های مربوط به این متغیر محاسبه شد؛ سپس، به شرکت‌هایی که شاخص حاکمیت شرکتی آن‌ها بیشتر از مقدار میانه بود عدد یک و شرکت‌هایی که شاخص حاکمیت شرکتی آن‌ها کم‌تر از مقدار میانه بود، صفر اختصاص یافت.

فرایند انتخاب نوع الگو

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، الگوهای پژوهش برآورد شد. با توجه به این موضوع که در صورت وجود ناهمگنی یا تفاوت فردی بین مشاهده‌ها، استفاده از داده‌های تابلویی منجر به نتایج قابل‌اتکاتری می‌شود، در این پژوهش برای تعیین همگنی و یا ناهمگنی بین مشاهده‌ها و متعاقب آن انتخاب الگوی داده تلفیقی و یا داده تابلویی با رویکرد الگوی اثرات ثابت از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شد. جدول شماره ۳ نتایج آزمون چاو و

است بیشینه تعداد جمله افشای حسابداری سلامت ۳۳ و کمینه آن ۱ بوده است. هم‌چنین، به‌طور میانگین هر شرکت در دوره زمانی پژوهش حدود ۷ جمله در زمینه حسابداری سلامت افشا کرده است. افزون بر این، نیمی از شرکت‌ها بیشتر از ۶ جمله و نیمی از شرکت‌ها کم‌تر از ۶ جمله در زمینه حسابداری سلامت افشا کرده‌اند. هم‌چنین، شاخص حاکمیت شرکتی ۶۶٪ از شرکت‌های نمونه بیشتر از میانه و بقیه کم‌تر از آن بوده است و میانگین حاکمیت شرکتی برابر با ۰/۶۸۵ است که نشان‌دهنده بالابودن شاخص حاکمیت شرکتی در نمونه پژوهش است.

هاسمن برای تشخیص الگوی مناسب را نشان می‌دهد.

با توجه به این که معنی‌داری به‌دست‌آمده از آزمون F لیمر در هر دو الگوی پژوهش کوچک‌تر از ۵٪ است، به‌منظور برآورد این الگوها از داده‌های ترکیبی استفاده شد. هم‌چنین، با توجه به این که معنی‌داری به‌دست‌آمده از آزمون هاسمن در هر دو الگو کوچک‌تر از ۵٪ است، الگوی مناسب مبتنی بر اثرات ثابت است.

یافته‌ها

آزمون فرضیه اول
در فرضیه اول پژوهش رابطه بین افشای حسابداری

جدول شماره ۴ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول ارائه شده

جدول ۳: نتایج آزمون چاو و هاسمن

الگو	آزمون چاو		آزمون هاسمن		نتیجه
	آماره	مقدار معنی‌داری	مقدار آماره	معنی‌داری	
رابطه ۱	F لیمر ۹/۲۵	۰/۰۰۱	۱۲/۹	۰/۰۲۴۳	الگوی اثرات ثابت
رابطه ۲	F لیمر ۱۱/۱۴	۰/۰۰۱	۱۴/۰۱	۰/۰۲۱۷	الگوی اثرات ثابت

جدول ۴: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	میانه	انحراف معیار
حسابداری سلامت	۱	۳۳	۷/۴۹۹	۶	۵/۵۷
حاکمیت شرکتی	۰	۱	۰/۶۸۵	۰/۶۶	۰/۰۶۷
ارزش شرکت	۰/۰۱۴	۶/۷۸۲	۰/۳۵۹	۰/۲۸۴	۰/۵۵۸
اهرم مالی	۰/۰۶۶	۰/۷۴۲	۰/۶۲۳	۰/۶۲۸	۰/۲۲
اندازه شرکت	۴/۲۶	۱۸/۰۱۵	۱۵/۹۷	۱۵/۹۱	۰/۶۴
تعداد مشاهده‌ها	۶۳۷	۶۳۷	۶۳۷	۶۳۷	۶۳۷

تی رابطه معنی‌دار و مثبت بین اندازه شرکت و ارزش شرکت وجود دارد.

آزمون فرضیه دوم

در آزمون فرضیه دوم پژوهش نقش تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت بررسی شد که نتیجه آن در جدول شماره ۶ ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول نشان داده شده مقدار F برابر با ۳۱/۸۶ و مقدار معنی‌داری F برابر با ۰/۰۰۱ است. بر اساس این نتیجه می‌توان گفت که الگوی پژوهش معنی‌دار است. مقدار آماره دورین-واتسون نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی بین باقیمانده‌های الگو وجود ندارد. بر اساس نتایج مندرج در این جدول (معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۷ و مقدار آماره تی برابر با ۲/۸۳۸) حاکمیت شرکتی بر رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت مؤثر است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

سلامت و ارزش شرکت بررسی شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول نشان داده شده مقدار F برابر با ۱۹/۱۷ و مقدار معنی‌داری F برابر با ۰/۰۰۱ است. بر اساس این نتیجه می‌توان گفت که الگوی پژوهش معنی‌دار است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۵۸ است. یعنی، در حدود ۵۸٪ از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. مقدار آماره دورین-واتسون برابر با ۱/۶۱ است که نشان می‌دهد خودهمبستگی بین باقیمانده‌های الگو وجود ندارد. مقدار معنی‌داری برای متغیر افشای حسابداری سلامت برابر با ۰/۰۰۱ است و با توجه به آماره تی رابطه مثبت و معنی‌دار بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت وجود دارد و نشان‌دهنده این است که افزایش افشای حسابداری سلامت موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. مقدار معنی‌داری برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۶۳۷ و معنی‌دار نیست. مقدار معنی‌داری برای متغیر اندازه شرکت برابر با ۰/۰۰۱ و با توجه به مقدار آماره

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: ارزش شرکت				
معنی‌داری	مقدار تی	خطای استاندارد	مقدار ضرایب	متغیر
۰/۰۰۱	(۱۱/۳۲)	۰/۴۵۹	(۵/۲۰۷)	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۴/۲۴۳	۰/۱۱۳	۰/۴۸۳	حسابداری سلامت
۰/۶۳۷	(۱/۲۱۵)	۰/۱۳	(۰/۱۵۹)	اهرم مالی
۰/۰۰۱	۹/۰۲۵	۰/۲۲۶	۲/۰۴۸	اندازه شرکت
۰/۰۰۱		مقدار معنی‌داری F	۱۹/۱۷	مقدار F
۱/۶۱		دورین-واتسون	۰/۵۸	ضریب تعیین

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: ارزش شرکت				
متغیر	مقدار ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معنی داری
مقدار ثابت	(۷/۲۲)	۰/۵۲۰۹	(۱۳/۸۶)	۰/۰۰۱
حسابداری سلامت	۰/۰۶۱	۰/۰۱۲۶	۴/۸۲	۰/۰۰۱
حاکمیت شرکتی	۰/۳۱۳	۰/۱۱۱	۲/۷۸	۰/۰۰۵۶
حسابداری سلامت * حاکمیت شرکتی	۰/۴۶۷	۰/۱۶۴	۲/۸۳۸	۰/۰۰۷
اهرم مالی	(۰/۳۲۴)	۰/۱۳۶	(۲/۳۷۴)	۰/۰۱۷
اندازه شرکت	۱/۱۱۱	۰/۰۹	۱۲/۳۳۵	۰/۰۰۱
F مقدار	۳۱/۸۶	مقدار معنی داری F	۰/۰۰۱	
ضریب تعیین	۰/۶۶	دوربین-واتسون	۱/۵۶	

نتیجه گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی دار بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت است. به این صورت که با افزایش افشای حسابداری سلامت، ارزش شرکت افزایش می یابد. تعهد بیشتر به افشای حسابداری سلامت روشی سودمند در دستیابی به حمایت ذی نفعان اثرگذار شرکت است. این نتیجه ممکن است ناشی از این موضوع باشد که افشای حسابداری سلامت از طریق کاهش هزینه های سیاسی موجب افزایش اعتبار و مشروعیت شرکت و در نتیجه افزایش ارزش شرکت خواهد شد. این نتایج با نتایج پژوهش های فریمن و رید (۱۳)، چن و رابرتز (۱۵)، پففر و سالانکیک (۱۶) و دونالدسون و پرستون (۲۰) همسو است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار حاکمیت شرکتی بر رابطه بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت است. به عبارت دیگر، شرکت هایی که از سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی تری برخوردارند، بین افشای حسابداری

موضوع پژوهش حاضر سنجش حسابداری سلامت و رابطه آن با ارزش شرکت با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی حاکمیت شرکتی برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج پژوهش نشان داد که افشای حسابداری سلامت شرکت های نمونه در دوره مورد بررسی پژوهش (۱۳۸۹-۱۳۹۵) روند صعودی داشته و سال ۱۳۸۹ کمترین افشا و سال ۱۳۹۵ بیشترین افشا را به خود اختصاص داده است. هم چنین، صنعت استخراج کانی های غیرفلزی بیشترین و صنعت غذایی کمترین افشای اطلاعات حسابداری سلامت را دارند. افزون بر این، از نظر موضوع افشای حسابداری سلامت، شرکت ها در بخش آموزش بیشترین و در بخش پیشگیری کمترین افشا را داشته و از نظر نحوه افشای حسابداری سلامت بیشتر افشاها به صورت کیفی بوده و افشای پولی کم تر بوده است.

مطلوب را از همتایان خود متمایز می‌کند. از این رو، به مدیران توصیه می‌شود با تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی به فعالیت‌های مرتبط با حسابداری سلامت و افشای آن توجه بیشتری کنند تا از این طریق به فعالیت‌های شرکت مشروعیت بخشیده و موجب افزایش ارزش شرکت شوند.

چارچوب نظری مطرح شده در این مقاله، می‌تواند پژوهش‌های آینده را هدایت کند تا به حل چالش‌های مهم مرتبط با حسابداری سلامت پرداخته شود. در این پژوهش از جمله به‌عنوان واحد سنجش حسابداری سلامت استفاده شد، در آینده پژوهشگران می‌توانند از واحدهای جایگزین دیگری مانند تعداد صفحه، کلمه و بند برای سنجش حسابداری سلامت استفاده کنند. هم‌چنین، در این پژوهش برای اندازه‌گیری سطح افشای حسابداری سلامت از تحلیل محتوا استفاده شد که پژوهشگران می‌توانند در پژوهش‌های آینده از شاخص وزنی برای اندازه‌گیری سطح افشای حسابداری سلامت استفاده کنند.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافی برای نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

سلامت و ارزش شرکت رابطه قوی‌تری وجود دارد. به این صورت که اجرای مناسب قوانین و ضوابط حاکمیت شرکتی و دستورعمل‌های سلامت، بهداشت و ایمنی کارکنان و تعهد به افشای بیشتر اطلاعات در زمینه حسابداری سلامت کارکنان می‌تواند به بهبود مشروعیت عملیات شرکت از طریق ارتقای اعتبار آن‌ها کمک کند و تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت بگذارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های ساچمن (۷)، اسکات (۱۲)، فریمن (۱۴)، ان تیم (۱۷) و پففر و سالانکیک (۱۶) همسو است.

با توجه به وجود رابطه مثبت بین افشای حسابداری سلامت و ارزش شرکت به مدیران پیشنهاد می‌شود با افزایش افشای اطلاعات مرتبط با حسابداری سلامت موجب بهبود جریان اطلاعاتی بین مدیران شرکت و ذی‌نفعان شوند. هم‌چنین، آنان می‌توانند از این طریق باعث ایجاد هماهنگی بین هدف‌ها و هنجارهای شرکت و جامعه و در نتیجه کاهش تضادهای نمایندگی شوند.

از آن جا که تصمیم شرکت در مورد میزان مشارکت در فعالیت‌های مرتبط با سلامت منابع انسانی تابعی از حاکمیت شرکتی است، مشارکت بیشتر در افشای حسابداری سلامت می‌تواند یکی از راهکارهایی باشد که شرکت‌های با حاکمیت شرکتی

References

- 1 Maranjory, M. and R. Alikhani (2014). "Social Responsibility Disclosure and Corporate Governance", *Accounting and Auditing Review*, Vol. 21, No. 3, pp. 329-348. [In Persian]
- 2 Talebnia, Gh.; Alikhani, R.; and M. Maranjory (2012). "Assessment of the Quantitative and Nature of Social and Environmental Information

- Disclosure in Iran”, *Accounting and Auditing Review*, Vol. 19, No. 3, pp. 43-60. [In Persian]
- 3 Beekes, W.; Brown, P.; and G. Chin (2008). “Do Better-Governed Firms make more Informative Disclosures? Canadian Evidence”, *British Accounting Association*, Vol. 5, No. 10, pp. 1-8.
 - 4 Shamaii, A.; Omidvari, M.; and F. Hosseinzade Lotfi (2019). “The Performance of HSE Management System Using Fuzzy Data Envelopment Analysis (FDEA) Model in the Smelting Industry”, *International Journal of Occupational Hygiene*, Vol. 11, No. 1, pp. 41-57.
 - 5 Swuste, P. and G. Eijkemans (2002). “Occupational Safety, Health, and Hygiene in the Urban Informal Sector of Sub-Saharan Africa: An Application of the Prevention and Control Exchange (PACE) Program to the Informal-Sector Workers in Healthy City Projects”, *International Journal of Occupational and Environmental Health*, Vol. 8, No. 2, pp. 113-118.
 - 6 Alikhani, R. and M. Maranjory (2014). “Application of Social and Environmental Information Disclosure Theories”, *Journal of Accounting and Auditing Studies*, Vol. 3, No. 9, pp. 36-53. [In Persian]
 - 7 Suchman, M. C. (1995). “Managing Legitimacy: Strategic and Institutional Approaches”, *Academy of Management Review*, Vol. 20, No. 3, pp. 571-606.
 - 8 Ashforth, B. E. and B. W. Gibbs (1990). “The Double-Edge of Organizational Legitimation”, *Organization Science*, Vol. 1, No. 2, pp. 177-193.
 - 9 Jensen, M. C. (1993). “The Modern Industrial Revolution, Exit and the Failure of Internal Control Systems”, *Journal of Finance*, Vol. 48, No. 3, pp. 831-880.
 - 10 Jensen, M. C. and W. H. Meckling (1976). “Theory of the Firm: Managerial Behaviour, Agency Costs and Ownership Structure”, *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 4, pp. 305-360.
 - 11 Lattermann, C.; Fetscherin, M.; Alon, I.; Li, S.; and A. M. Schneider (2009). “CSR Communication Intensity in Chinese and Indian Multinational Companies”, *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 17, No. 4, pp. 426-442.
 - 12 Scott, W. R. (1987). “The Adolescence of Institutional Theory”, *Administrative Science Quarterly*, Vol. 32, No. 4, pp. 493-511.
 - 13 Freeman, R. E. and D. L. Reed (1983). “Stockholders and Stakeholders: A New Perspective on Corporate Governance”, *California Management Review*, Vol. 25, No. 3, pp. 88-106.
 - 14 Freeman, R. E. (1984). *Strategic Management: A Stakeholder Approach*, 4th Edition, Boston: Pitman.
 - 15 Chen, J. C. and R. W. Roberts (2010). “Toward a more Coherent Understanding of the Organization-Society Relationship: A Theoretical Consideration for Social and Environmental Accounting Research”, *Journal of Business Ethics*, Vol. 97, No. 4, pp. 651-665.
 - 16 Pfeffer, J. and G. R. Salancik (1978). *The External Control of Organizations: A Resource Dependence Perspective*, 1st Edition, New York: Harper and Row.
 - 17 Ntim, C. G. (2016). “Corporate

- Governance, Corporate Health Accounting, and Firm Value: The Case of HIV/AIDS Disclosures in Sub-Saharan Africa” *The International Journal of Accounting*, Vol. 51, No. 2, pp. 155-216.
- 18 Ntim, C. G. and T. Soobaroyen (2013). “Black Economic Empowerment Disclosures by South African Listed Corporations: Influence of Ownership and Board Characteristics”, *Journal of Business Ethics*, Vol. 116, No. 1, pp. 121-138.
- 19 Hosseini, M. and M. Atashak (2015). “Identifying and Ranking the Goals of Occupational Safety and Health Education in Industries”, *Journal of Technology of Education*, Vol. 8, No. 3, pp. 1-155. [In Persian]
- 20 Donaldson, T. and L. E. Preston (1995). “The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence and Implications”, *Academy of Management Review*, Vol. 20, No. 1, pp. 65-91.
- 21 Haniffa, R. M. and T. E. Cooke (2005). “The Impact of Culture and Governance on Corporate Social Reporting”, *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 24, No. 5, pp. 391-430.
- 22 Silva, S.; Nuzum, A. K; and S. Schaltegger (2019). “Stakeholder Expectations on Sustainability Performance Measurement and Assessment: A Systematic Literature Review”, *Journal of Cleaner Production*, Vol. 217, No. 1, pp. 204-215.
- 23 Hummel, K. and P. Potzel (2019). “Mandating the Sustainability Disclosure in Annual Reports-Evidence from the United Kingdom”, *Schmalenbach Business Review*, Vol. 71, No. 2, pp. 205-247.
- 24 Cai, Y.; Jo, H.; and C. Pan (2012). “Doing Well While Doing Bad? CSR in Controversial Industry Sectors”, *Journal of Business Ethics*, Vol. 108, No. 4, pp. 53-72.
- 25 O’Donovan, G. (2002). “Environmental Disclosures in the Annual Report: Extending the Applicability and Predictive Power of Legitimacy Theory”, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 15, No. 3, pp. 344-371.
- 26 Ghafourian Shagerdi, M.; Ghafourian Shagerdi, A.; and M. Moradi (2020). “Investigating the Effect of Environmental Sensitivity on the Relationship between Corporate Social Responsibility Disclosure and Competitive Advantage,” *Journal of Health Accounting*, Vol. 8, No. 2, pp. 58-76. [In Persian]
- 27 Mehrabanpour, M. R.; Kazempour, M.; and F. Esmail Beigi (2017). “Explaining the Mutual Relationship between Social Responsibility and Corporate Governance by Using Simultaneous Equations System,” *Journal of Health Accounting*, Vol. 5, No. 2, pp. 112-129. [In Persian]
- 28 Kamla, R. (2007). “Critically Appreciating Social Accounting and Reporting in the Arab Middle East: A Post Colonial Perspective”, *Advances in International Accounting*, Vol. 20, No. 1, pp. 105-177.
- 29 Aribi, A. and S. Gao (2010). “Corporate Social Responsibility Disclosure”, *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 8, No. 2, pp. 72-91.
- 30 Mahadeo, J.; Oogarah-Hanuman, V.; and T. Soobaroyen (2011). “Changes in Social and Environmental Reporting Practices in an Emerging Economy (2004-2007): Exploring the

- Relevance of Stakeholder and Legitimacy Theories”, *Accounting Forum*, Vol. 35, No. 3, pp. 158-175.
- 31 Gao, S. S.; Heravi, S.; and J. Z. Xiao (2005). “Determinants of Corporate Social and Environmental Reporting in Hong Kong: A Research Note”, *Accounting Forum*, Vol. 29, No. 2, pp. 233-242.
- 32 Williams, S. M. (1999). “Voluntary Environmental and Social Accounting Disclosure Practices in the Asia-Pacific Region: An International Empirical Test of Political Economy Theory”, *The International Journal of Accounting*, Vol. 34, No. 2, pp. 209-238.
- 33 Namazi, M. and A. Daryaei (2016). “Corporate Governance Rate Prediction Using Neural Networks”, *Journal of Audit Science*, Vol. 16, No. 64, pp. 1-20. [In Persian]

Health Accounting Measurement and its Relationship with the Firm Value through Moderate Role of Corporate Governance

M. Maranjory (Ph. D.)¹, R. Alikhani (Ph. D.)² and M. Jahandar Lashaki³

Received: 2018/06/10

Revised: 2019/09/11

Accepted: 2019/09/30

Abstract

Introduction: Managers are required not only to be accountable for financial and economic issues of the firms under their supervision, but also to consider hygienic, safety and health related issues of their staff and disclosing such information. The goal of this research is to examine health accounting and its relation with firm value through moderating role of corporate governance.

Method: The present research is practical in terms of purpose and descriptive in terms of application and of correlational type. The statistic population includes all companies listed on the Tehran Stock Exchange from 2009-2015. In this study, content analysis method and the sentence for measurement unit have been used for evaluating health accounting.

Results: Health accounting measurement showed that regarding the subject, firms had the highest and the lowest disclosures in education and prevention sectors, respectively. Regarding the disclosure method of health accounting, the highest disclosure was of qualitative type and monetary disclosure had the lowest amount. Health accounting disclosure has positive and significant relation with firm value. Corporate governance intensifies the relation between health accounting disclosure and firm value.

Conclusion: Firms with higher obligations to enforce regulations and corporate governance rules are more inclined to execute hygienic, health and safety guidelines for the staff; owing to the fact that they pay attention to the interest of different interest groups, including the employees. These firms also have proper disclosures in health accounting which positively affects firm value via credit and legitimacy of firm reputation.

Keywords: Corporate Governance, Firm Value, Health Accounting.

¹ Assistant Professor, Department of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran (Corresponding author; Email: mehdi_maranjory@iauc.ac.ir)

² Assistant Professor, Department of Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran (Email: razieh_alikhani@iauc.ac.ir)

³ M. A. in Accounting, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran (Email: mahshad.jahandarlashaki69@iauc.ac.ir)